یادداشت

هادی نیک‌نام

بانوی نفت!

همانطور که پیش‌بینی می‌شد وزیر نفت برای مرضیه شاهدایی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی حکم قائم مقامی صادر کرد، شاید این سمت برای شاهدایی یک سمت دهان پرکن باشد ولی کیست که نداند قائم‌مقامی زنگنه تشریفاتی‌ترین سمتی است که می‌توان تجربه‌اش کرد. برای کسی که قصد استراحت دارد، برای مدیری که دنبال یک کار سبک است، برای معاونی که فقط می‌خواهد در صحنه باشد، قائم‌مقامی زنگنه بهترین پوزیشنی است که می‌توان به آن دست یافت. هم خودش سود می‌کند و هم زنگنه اینگونه القا می‌کند که تمرکز تصمیم‌گیری را در نفت از بین برده است، حال اگر این قائم مقام یک «بانو» باشد که چه بهتر.

از دیروز تا به امروز چه واژه‌ها که تبدیل به سروده نشد و چه دیوان‌ها که نظم و نثر را به قافیه و وزن نرساند. رسانه‌های همسو با وزارت نفت چه فضای رمانتیکی را به صحنه کشاندند و زنگنه را تابوشکن بزرگ عرصه مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد کردند. تیترها ساخته شده و واژه‌های «نخستین‌بار» و «سنت‌شکنی» و... برای وزیری به کار برده شد که همه راه‌ها باید به او ختم شود. نحوه مدیریت زنگنه از «کفر ابلیس» هم مشهورتر است؛ وزیری که مهم‌ترین ویژگی حکمرانی در سازمانش تمرکز شدید تصمیم‌گیری در یک اتاق است و برهمین اساس هر کس بتواند وی را متقاعد کند، می‌تواند روی همه گزارش‌های کارشناسی خط بطلانی بزرگ بکشد، چون در چارچوب فکری - عملی زنگنه چیزی درست است که خود به آن معتقد است و لاغیر.

بارها نوشتیم که در چنین سیستمی به ویژه در دوره فعلی که تشدید شده است، مدیرانی باید حضور داشته باشند که بتوانند خوب «چشم» بگویند و اگر نگویند دو راه بیشتر ندارند؛ اگر مستقل و آزاده باشند استعفا می‌کنند و می‌روند مانند جوادی، معظمی، شعری‌مقدم، قمصری و... اما اگر حضور در صندلی را بر هر چیز ترجیح بدهند بدون کمترین اعتراضی باید دستورات برگرفته از یک «اراده» را پیاده کنند. خب تقریباً گروه اول در نفت حضور ندارند و همین مصیبت کار را برای وزیر نفت آسان کرده است و تهدید وزیر مبنی بر کنار گذاشتن مدیرانی که به دولت رأی نداده‌اند، محافظه‌کاری را به «ستاره‌سازی» از وزیر نفت پیوند زده است.

این موارد از آن جهت مطرح شد که بدانیم سمتی مانند قائم مقامی با آنکه پر طمطراق است اما در درجه‌ای از سمت‌های نفتی قرار دارد که با حضور وزیر فعلی بسیار تشریفاتی است. در برخی دوره‌ها این سمت وجود داشت که دو دوره از اهمیت خاصی برخوردار است؛ یکی حضور مرحوم کردان در دولت نهم و دیگری حضور هامانه در دولت یازدهم، اولی قدرت بسیار داشت و دومی تقریباً بی‌زمین برای عرض اندام.

زنگنه که در سال ۹۲ گفته بود نفتی‌ها را به نفت باز می‌گرداند برای زدودن فضای ضدمنابع انسانی که درباره وی وجود داشت، سیدکاظم وزیری‌هامانه را که از «مظلومیت» خاصی در برکناری معروفش بهره می‌برد به قائم مقامی خود برگزید با انبوهی از اختیارات که بیشتر حول مسائل منابع انسانی می‌چرخید. زمان که سپری شد و میخ‌ها کوبیده شد، این اختیارات از هامانه گرفته شد تا در نهایت وی استعفا کند و اندکی بعد در یک مصاحبه بگوید هیچ اختیاری نداشته و هر چه داده شد، گرفته شد.

بود و نبود هامانه در سمت قائم مقامی هیچ تأثیری بر امور وزارت نفت نداشت و زنگنه خودش بود و لایه اول تیم مدیریتش. از وقتی که هامانه رفت کسی بر جایگاه قائم مقامی تکیه نزد تا بار دیگر ثابت شود هیچ تفاوتی میان بودن و نبودن قائم مقامی وجود ندارد و بیشتر جایگاهی است برای خریدن مشروعیت؛ یکبار برای جا باز کردن در دل نفتی‌ها با استفاده از هامانه و دیگری سنت‌شکنی در عرصه مدیریتی کشور با انتصاب مرضیه شاهدایی به این سمت. چه چیزی از این بهتر برای قاطبه مردم که بی‌خبر از همه‌جا، برای او «کف» خواهند زد و زنگنه را تنها وزیری معرفی کنند که یک زن را در جایگاه دوم وزارت نفت قرار داده است. اگر این سمت در نفت راهبردی است پس دلیل عدم‌تعیین تکلیف طی یک سال اخیر چه بوده است؟!

نقطه مقابل این ذهنیت، شناخت نفتی‌هاست که می‌دانند که اولاً قائم مقامی زنگنه در نفت، نهایتش به حضور در همایش‌ها ختم می‌شود و دوماً یک ابزار هوشمندانه برای توجه ویژه وزیر نفت به جایگاه زنان است. دقیقاً مانند اتفاقی که برای جوانگرایی افتاده است و «شاگردان» با این شعار جذاب به مدیریت برگزیده شدند. همانطور که وزیری هامانه، مهره‌ای بود برای افزایش مقبولیت وزیر نفت، حالا شاهدایی که لقب «بانو» را یدک می‌کشد مهره‌ای دیگر است که وزیر نفت را خوشنام خواهد کرد. در پایان هم بهتر است بخشی از گفت و گوی سال گذشته هامانه پس از استعفایش را بخوانیم که می‌تواند به صراحت افکار را تنویر کند که جایگاه قائم مقامی چیست و به چه کار می‌آید: هامانه پس از استعفا: با صدور بخشنامه‌های متعدد از سوی وزیر نفت، از اختیاراتی که در اوایل دولت و به صورت رسمی به من ابلاغ شده بود، به تدریج کاسته می‌شد. کاهش اختیارات تا آنجا ادامه یافت که به‌تدریج احساس می‌کردم جایگاه قائم مقام وزیر حالتی نمادین یافته و دیگر اثربخشی لازم را ندارد. از سوی دیگر، من گره‌گشای مشکلات کارکنان بودم و روزانه ۱۰ تا ۲۰ ملاقات با کارکنان و مدیران داشتم. بعضی افراد و مسئولان هم مشکلاتی داشتند که به راحتی با من در میان می‌گذاشتند. تقریباً روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار مفید انجام می‌دادم.

خبر

انتفاع صدها هزار دلاری اماراتی‌ها از هر روز تأخیر در پرونده متهمان کرسنت

رسیدگی به پرونده متهمان داخلی قرارداد پرحاشیه کرسنت در قوه قضائیه به کندی پیش می‌رود و این روند تنها به نفع مدیران شرکت اماراتی کرسنت است تا از ایران جریمه بیشتری را مطالبه کنند.

به گزارش فارس، در حالی سال ۹۶ از نیمه گذشته است که حدود چهار سال پیش بیژن زنگنه در جلسه رأی اعتماد برای انتخاب وزیر نفت به نمایندگان مجلس قول داد، ۱۵ - ۱۰ روزه پرونده کرسنت را جمع خواهد کرد، اما با گذشت بیش از چهار سال هنوز این پرونده در جریان است و نتیجه آن نیز مشخص نیست. نکته مهمی که باید در خصوص پرونده چندهزار صفحه‌ای کرسنت اشاره کرد باز بودن پرونده داخلی کسانی است که به طور مستقیم در آن نقش داشتند افرادی مانند آقایان، علی ترقی‌جاه، م.ت، ح. ر و... که رسیدگی به پرونده هر یک از این افراد و اعلام رأی دادگاه می‌تواند جریان بررسی پرونده کرسنت را با تغییراتی مواجه کند.

براساس این گزارش در جریان امضای قرارداد کرسنت افرادی به ایفای نقش پرداختند که مدت‌هاست اتهاماتی چون دریافت و پرداخت رشوه و واسطه‌گری بین مدیران اصلی را در پرونده خود دارند. پیشتر برخی از این افراد که اکنون نیز در سمت‌های دولتی مسئولیت دارند احضار شدند و برای برخی از آنها احکامی صادر شد اما ظاهراً این احکام به متهمان ابلاغ نشده است؛ احکامی مانند پرداخت جریمه و انفصال از خدمت که اگر این احکام اجرایی شود، قطعاً می‌تواند نشان‌دهنده صلابت دستگاه قضایی کشور باشد.

آنچه باید اشاره کرد این است که اطاله دادرسی پرونده کرسنت نه تنها برای کشور منافعی ندارد بلکه مستقیماً مدیران شرکت کرسنت از آن نفع خواهند برد و جریمه‌های چند صدمیلیون دلاری را به ازای هر روز تأخیر به جیب خواهند زد. به همین دلیل انتظار می‌رود قوه قضائیه هرچه سریع‌تر رسیدگی به اتهامات متهمان اصلی پرونده کرسنت را به پایان رساند. بررسی‌های خبرنگار فارس نشان می‌دهد که چندین پرونده در خصوص قرارداد کرسنت در داخل کشور مفتوح است که برخی از آنها مشمول مرور زمان شده و دیگر پیگیری نمی‌شود، در صورتی که اگر این پرونده‌ها مورد بررسی قرار گیرد، قطعاً در رأی دادگاه بین‌المللی کرسنت تأثیرگذار خواهد بود.

گزارش یک

وحید حاجی‌پور

اقدام عجیب وزارت نفت با ارزان‌ترین فروش گاز در یک قرارداد

یارانه گازی زنگنه به یک شرکت نروژی

وزارت نفت در قرارداد جدید خود با یک شرکت نروژی قیمت گاز شیرین صادراتی را به ۷ سنت تقلیل داده است

شرکت ملی نفت در حالی قرارداد جدیدی در حوزه ال‌ان‌جی با یک شرکت خارجی بسته است که جزئیات این قرارداد نشان می‌دهد گاز ایران با قیمتی ارزان به شرکت خارجی واگذار می‌شود.

به گزارش «جوان» هفته گذشته بود که نخستین قرارداد فروش گاز طبیعی جهت تولید گاز مایع‌شده (LNG) صادراتی، بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت IFLNG تحت مالکیت شرکت پالایش گاز خارک و شرکت نروژی Hemla امضا شد. این شرکت با استفاده از شناور Carribean FLNG که متعلق به شرکت نروژی Exmar بوده و تحت قرارداد اجاره در اختیار شرکت IFLNG به عنوان نماینده انحصاری شرکت Exmar قرار می‌گیرد، توانایی تولید ۵۰۰ هزار تن LNG در سال را دارد. طبق این قرارداد ۲۰ ساله، روزانه ۲/۳ میلیون مترمکعب گاز شیرین از پالایشگاه هفتم پارس‌جنوبی در اختیار این شرکت خارجی قرار می‌گیرد و این شرکت با تبدیل آن به ال‌ان‌جی، محموله‌های خود را به فروش می‌رساند. نکته مهم در این باره قیمت هر مترمکعب گاز طبیعی است که شرکت ملی نفت آن را حدود هفت سنت قرار داده است.

برای آنکه بدانیم این قیمت تا چه حد ارزان است باید بدانیم که قیمت فعلی صادرات گاز به ترکیه حدود ۱۷ سنت، پتروشیمی‌ها ۸/۵ سنت و گاز سی ان جی ۱۱ سنت است. به بیان ساده‌تر ارزان‌ترین گاز در اختیار این شرکت نروژی قرار گرفته است تا این شرکت در سال بیش از ۱۸۰ میلیون تن ال‌ان‌جی تولید کرده و به فروش برساند. هدف‌گذاری وزارت نفت برای صادرات گاز از طریق ال‌ان‌جی تا چهار سال آینده ۱۸ میلیارد مترمکعب در سال است.

■ چرا ۷ سنت؟

قرار است این شرکت نروژی با استفاده از یک شناور، FLNG گاز ایران را مایع‌سازی کرده و صادر کند. این شرکت همانطور که اشاره شد گاز ایران را حدود هفت سنت می‌خرد و نکته قابل تأملش آنجاست که این گاز، گاز پالایش شده و شیرین است که دیگر نیازی به پالایش ندارد. این امتیاز مهمی برای شرکت نروژی است که البته با بخشنامه اخیر وزیر نفت خوشبخت‌تر از هر شرکت دیگری شده است.

وزیر نفت در دورانی که بحث خوراک پتروشیمی‌ها داغ بود گفته بود هزینه استخراج و پالایش هر متر مکعب گاز طبیعی بیش از ۱۰ سنت بود که برای نخستین بار پرده از هزینه‌های گازی برداشت و اندکی بعد اعلام کرد این هزینه ۱۴ سنت است اما در نهایت ناباوری با هدیه یارانه‌ای شیرین به این شرکت نروژی، همه توجهات را به خود جلب کرد.

وزارت نفت طی دو سال گذشته دو ابلاغیه درباره قیمت‌گذاری گاز برای تحویل به واحدهای کوچک ال‌ان‌جی را اعلام کرده است که در دستور العمل نخست، قیمت هر متر مکعب گاز طبیعی حداقل ۱۳ سنت بود که این رقم در بخشنامه دوم به هفت سنت کاهش یافت و از طرفی دیگر هزینه حمل و نقل هم بر عهده شرکت ملی نفت ایران گذاشته شده است.

این به آن معناست که رانت بزرگی در اختیار این شرکت نروژی قرار گرفته است، زیرا بر اساس گزارش‌های بین‌المللی هزینه حمل ال‌ان‌جی از خاورمیانه به شرق آسیا معادل ۱/۵ دلار بر هر میلیون بی‌تی یو است. این در حالی است که در سه ماه اخیر متوسط قیمت ال‌ان‌جی بازار ژاپن- کره (طبق گزارش platss) برابر هفت دلار بر هر میلیون بی‌تی یو بوده است که با محاسبه از طریق فرمول اول قیمت گاز تحویلی بابت ال‌ان‌جی حدود هفت سنت خواهد شد.

از طرف دیگر گزارش‌های متعددی در چند سال اخیر از جمله گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس تحت عنوان مقایسه خط لوله و ال‌ان‌جی نشان داده‌اند که بازارهای محتمل صادرات ال‌ان‌جی ایران از جمله شرق آسیا و اروپا به‌خصوص در قیمت‌های پایین نفت بازارهای اقتصادی نیستند، بنابراین این موضوع شاید دلیل این تخفیف بزرگ وزارت نفت به این شرکت نروژی را روشن کند چرا که با وجود این تخفیف ۵۰ درصد خواهد بود که صادرات گاز ایران به صورت ال‌ان‌جی به این بازارها اقتصادی می‌شود.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در قیمت فعلی نفت سود خالص حاصل از صادرات گاز به بازارهای صادراتی بین صفر تا ۱۰ سنت در هر متر مکعب است که این موضوع در فواصل بالای ۳ هزار کیلومتر مصداق دارد و همچنین سود خالص صادرات گاز در بهترین حالت یعنی در زمانی که قیمت نفت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد در بازارهای منطقه حدود ۳۵ سنت در هر متر مکعب خواهد بود.

گزارش ۲

بهناز قاسمی

تعلل در اعلام نرخ شکر و گندم برای سال زراعی جدید

ارز سوبسیدی در خدمت کالای وارداتی است نه تولید داخل

تعلل دولت در اعلام نرخ شکر و گندم در سال زراعی جدید، زنگ خطری است برای رسیدن به اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و خودکفایی که سال‌هاست از سوی وزارت جهاد کشاورزی وعده داده می‌شود. شواهد حاکی از آن است که این مهم با مخالفت برخی در کابینه روبه‌رو است، چرا که در دو سال اخیر این نرخ با تأخیر چندین ماهه اعلام می‌شود، گویی کاهش تولید و رغبت کشاورزان در دستور کار قرار گرفته تا سالانه پول زیادی بابت این خریدهای تضمینی هزینه نشود و ارز مبادله‌ای در اختیار واردات قرار گیرد.

شاید زمانی رؤیا به نظر می‌رسید که کشور در تولید شکر و گندم به خودکفایی برسد اما اکنون زمان زیادی تا تحقق این رؤیا باقی نمانده البته هنوز اما و اگرهایی وجود دارد؛ وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید، پس از گندم حدود سه سال دیگر کشور در زمینه تولید شکر به خودکفایی می‌رسد اما با گذشت هشت ماه، قیمت شکر اعلام نشده و کارخانجات بلاتکلیف مانده‌اند، چغندرکاران طلبشان را نگرفته‌اند، هنوز از نرخ خرید تضمینی خبری نیست. همین اتفاق برای گندم نیز افتاده است، گندمکاران همچنان از دولت طلبکارند و نرخ خرید تضمینی اعلام نشده تا تکلیف گندمکاران برای سال زراعی جدید روشن شود. در حالی که قانون مصوب مجلس به صراحت می‌گوید تا قبل از شروع سال زراعی جدید یعنی تا پایان شهریورماه دولت باید مطابق نرخ تورم قیمت خرید تضمینی گندم را اعلام کند. همچنین سال گذشته با وجود تورم ۹ درصدی تنها قیمت تضمینی گندم ۲/۲ درصد اضافه شد و امسال هم ظاهراً از گوشه و کنار شنیده می‌شود که خبری از افزایش قیمت تضمینی گندم نیست. متأسفانه هنوز کسانی در دولت هستند که رسیدن به خودکفایی را به اصطلاح خودشان «مزخرف» می‌دانند. وزیر راه‌وشهرسازی زمانی مسکن مهر را مزخرف می‌دانست و عیسی کلانتری مشاور معاون اول دولت یازدهم معتقد است، خودکفایی در کشاورزی مزخرف است. وی با احساسی خواندن این آرمان به‌واسطه جوابتدای انقلاب، سردمدار مخالفت سنگین با اصل «خودکفایی کشاورزی» است. شاید اتفاقات فوق و زمزمه توجیه اقتصادی واردات این محصولات کشاورزی و استراتژیک به این معنا باشد که عده‌ای به دنبال واردات هستند نه تقویت تولید داخل و رسیدن به خودکفایی. مشاور وزیر جهاد کشاورزی در واکنش به تأکید برخی بر واردات ارزان گندم می‌گوید: آنها که می‌گویند قیمت گندم خارجی پایین‌تر از داخلی است و باید وارد کنیم بدانند که اگر نرخ ارز به صورت شناور و براساس بازار باشد، دیگر واردات هم معنی ندارد و در واقع اکنون ما داریم به کالای خارجی سوبسید می‌دهیم. اسماعیل اسفندیاری‌پور در مورد اینکه برخی معتقدند، گلوتن گندم تولید داخل پایین است و برای مصارفی همچون صنایع، بیسکویت و نان صنعتی به درد نمی‌خورد، می‌افزاید: مجموع گندم با گلوتن بالا برای مصارف صنعتی ۴۰۰ هزار تن است، ولی ما بالای یک میلیون تن گندم با گلوتن بسیار بالا تولید می‌کنیم و این حرف بهانه‌ای برای رانت واردات است. مشاور وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به اینکه اگرچه ممکن است در بحث تولید گندم هزار و یک مشکل داشته باشیم، تأکید می‌کند: تفاوت قیمت داخلی با مشابه خارجی اگر چه ممکن است به یک میزان نباشد، اما کیفیت گندم‌مان به مراتب بهتر از گذشته شده است و اگر کیفیت گندم را به طور واقعی آزمایش کنند، نتیجه چیزی خواهد بود که سکوت اختیار خواهند کرد. مضاف بر آنکه اگر قیمت دلار در کشور به جای دلار آزاد و شناور مدیریت شده باشد باید به قیمت شناور برسد تا نوسانات بازار آن را تعیین کند و آن موقع قطعاً قیمت گندم خارجی ارزان‌تر از داخلی نخواهد بود. به گفته وی با مدیریت نرخ ارز به خارجی‌ها سوبسید می‌دهیم، به گونه‌ای که انگارنه‌انگار کالای خارجی ارزان‌تر از کالای داخلی است.

■ امنیت غذایی شوخی‌بردار نیست

همچنین عضو سابق کمیسیون کشاورزی در مجلس نهم نیز در پاسخ به کسانی که مدام از واردات گندم سخن می‌گویند، می‌گوید: به جای شعار واردات گندم، دولت برای امنیت غذایی و استقلال کشور باید از کشاورزان حمایت کند و پول گندمکاران را به موقع بدهد. بهرام بیرانوند در مورد کسانی که به بهانه ارزان بودن گندم خارجی می‌گویند، به جای تولید گندم و خرید تضمینی هزار و ۳۰۰ تومانی از گندم وارداتی ۹۰۰ تومانی خارجی استفاده کنیم، می‌افزاید: آنهایی که این حرف را می‌زنند، مفهوم استقلال و امنیت ملی و غذایی کشور را نمی‌دانند. ممکن است امروز گندم ارزان به ما بفروشند، اما گندم مانند کالاهای نظامی و دفاعی کشور ضروری است که باید در داخل کشور تهیه شود. مگر می‌شود علیه امنیت ملی و امنیت غذایی کشور و از واردات گندم صحبت کرد، این امر شوخی‌بردار نیست.

شبکه حمل‌ونقل با گرانی از اربعینی‌ها پذیرایی می‌کند

افزایش ۳ برابری نرخ بلیت اتوبوس تهران- مهران

حمل‌ونقل

طبق مصوبه ستاد اربعین، نرخ بلیت اتوبوس برای ایام اربعین در راستای جبران تردد یک سرخالی دو برابر می‌شود، اما نرخ‌ها تا پنج برابر افزایش یافته است. این در حالی است که از نظر قانونی، شرعی، اخلاقی و معرفتی صحیح نیست اربعین را دستاویزی برای کسب درآمد قرار دهیم و این راهپیمایی و سفر معنوی را با مطامع دنیوی و زیاده‌خواهی و سودجویی آلوده کنیم.

طبق مصوبه ستاد اربعین، نرخ بلیت اتوبوس برای ایام اربعین در راستای جبران تردد یک سرخالی دو برابر می‌شود و به عنوان مثال نرخ بلیت مسیر تهران ـ مهران که در ایام عادی ۳۸ هزار تومان است، در این ایام به حدود ۷۶ هزار تومان افزایش می‌یابد و این بابت جبران ترددهای یک سر خالی ناوگان است.

در این شرایط با وجود ادعای دولت مبنی بر نظارت دقیق بر نرخ بلیت‌ها خصوصاً در ایام پیک سفر اربعین، بررسی‌ها از دفاتر فروش بلیت اتوبوس در سطح شهر حاکی از آن است که نرخ بلیت اتوبوس در برخی دفاتر و آژانس‌ها برای تهران- مهران از ۱۲۸ هزار تومان شروع می‌شود و تا ۲۳۰ هزار تومان ادامه دارد.

طبق تصمیم انجمن شرکت‌های هواپیمایی و سازمان هواپیمایی کشوری، قیمت بلیت پرواز تهران ـ نجف ـ تهران برای اربعین امسال یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و تهران ـ بغداد ـ تهران نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تعیین شد، همچنین نرخ بلیت پرواز مشهد ـ نجف ـ مشهد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، نرخ بلیت پرواز مشهد ـ بغداد ـ مشهد نیز یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تعیین شد.

بررسی خبرنگار فارس از آژانس‌های فروش بلیت هواپیما در سطح شهر، منطقه خیابان استاد نجات‌اللهی و برخی آژانس‌های معرفی شده در فهرست سازمان هواپیمایی کشوری هم نشان از نبود نظارت و جولان مافیای بلیت، در ایام اربعین حسینی دارد. شرکت‌های هواپیمایی برخی پروازهای خود را برای سفرهای هوایی اربعین باز کرده‌اند و بلیت با نرخ‌های بسیار بالاتر از قیمت‌های تعیین شده عرضه می‌کنند یا صندلی‌های خود را به چارتر کننده فروخته و در سیستم خریدهای اینترنتی خود (سایت‌های ایرلاین‌ها) مدعی تکمیل صندلی‌ها هستند.

یادداشت

هادی غلامحسینی

طرح‌های ملی که پیر شدند

در همه کشورها طرح‌هایی که ملی به شمار می‌رود با تغییر دولت‌ها هم از سوی دولت جدید دنبال شده و به اتمام می‌رسد ولی طرح‌هایی چون مسکن مهر، سهام عدالت و هدفمندی یارانه‌ها به‌رغم اینکه در نیمه دوم دهه ۸۰ آغاز شد حتی با اتمام دولت‌های نهم، دهم و یازدهم هنوز به پایان نرسیده است و وضعیت مشخصی هم ندارد.

در طرح مسکن مهر که در دهه ۸۰ کلید زده شد مقرر شد از محل صفر شدن قیمت زمین و آورده نقدی اندک متقاضیان مسکن مهر و همچنین تسهیلات بانکی، حدود ۲ میلیون واحد مسکن مهر ساخته شود و اعتبار اختصاص یافته به این طرح حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان بود که اندک‌اندک با پیشرفت طرح به پروژه تزریق شد و گردش کار به شکلی بود که افراد همزمان با تحویل گرفتن مسکن‌شان اقساط مسکن مهر را بازمی‌گرداندند و بانک مسکن هم موظف بود با باز گرداندن این پول‌ها به بانک مرکزی در فرآیند امحای خط اعتباری گام بردارد تا اثر تورمی طرح محو شود اما هم‌اکنون از نیمه سال ۹۶ گذشته‌ایم و خط اعتباری ۴۵ هزار میلیارد تومانی همچنان در اختیار بانک مسکن است و ماهانه صدها میلیارد تومان از محل اقساط مسکن مهر جمع‌آوری می‌شود ولی هزاران نفر از متقاضیان مسکن مهر هنوز به مسکن خود نرسیده‌اند.

از سوی دیگر در سال‌های ۸۵ و ۸۶ مقرر شد، سهام بخشی از شرکت‌ها تحت عنوان سهام عدالت بین مشمولان طرح توزیع شود و بعد از ۱۰ سال و پرداخت سود سالانه این شرکت‌ها در این مدت به دولت در صورتی که سودها ارزش سهام را پوشش داد، سهام بین ۵۰ میلیون نفر توزیع شود اما ارزش سهام در این بین معضلی است و مشخص نیست ارزش سهام عدالت در کجا کشف قیمت شده که دولت یازدهم تشخیص داده هنوز از یک میلیون تومان سهام عدالت هر فرد حدود ۴۰۰ هزار تومان از محل سود شرکت‌ها تأمین نشده است. حال باید دید عملکرد شرکت‌ها و سودشان به شکلی بوده است که حتی نتوانسته در این ۱۰ سال، سالی ۱۰ درصد سود تولید کند و همچنان وضعیت این دارایی که گفته می‌شود حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارد چه خواهد شد. از سوی دیگر در رابطه با هدفمندی یارانه‌ها مقرر بود با هدف حذف یارانه‌های پرداختی به حامل‌های انرژی و آب، برق و ... و واقعی کردن قیمت‌ها و اصلاح الگوی مصرف بهای کالاها در پنج سال به‌طور کامل آزادسازی شود و مبنا نیز قیمت‌های فوب خلیج‌فارس بود اما اشکالی که وجود دارد این است که با تضعیف نرخ ریال در برابر دلار اولاً قیمت‌های جاری کالاهای مدنظر به هم می‌ریزد و ما تا ابدالدهر باید هدفمندی یارانه‌ها را اجرا کنیم و از سوی دیگر در دولت یازدهم آزادسازی بهای کالا گویی آنقدر از قاعده پیشی گرفته است که دولت از محل هدفمندی یارانه‌ها درآمد هم کسب می‌کند. به‌طور نمونه در سال ۹۵ مشخص شد دولت حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان از هدفمندی یارانه‌ها درآمد کسب و چیزی حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان بین مردم یارانه نقدی تقسیم کرد و یارانه تولید را نیز پرداخت نکرد، حال این طرح نیز حداقل تا سال ۹۵ دیگر باید به پایان می‌رسید و باید شفاف‌سازی شود که این طرح تا چه زمانی ادامه خواهد یافت.

از سوی دیگر با توجه به اینکه دولت یازدهم در ابتدای روی کار آمدن مدعی وجود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولتی و خزانه خالی بود، جا دارد شفاف‌سازی کند که چه مقدار از دارایی‌های بلوکه‌شده از دولت دهم در جریان مذاکرات هسته‌ای آزادسازی شد، زیرا ارقام مختلفی تاکنون در رابطه با دارایی‌های بلوکه‌شده در رسانه‌ها مطرح شده است که این بخش ارقامی چون ۵۰، ۷۰، ۱۰۰ میلیارد دلار را در بر می‌گیرد که ترامپ رئیس‌جمهور امریکا همین اواخر رقم ۱۵۰ میلیارد دلار را به این ارقام افزود. اگر رقم ارزهای بلوکه‌شده دولت قبل در کشورهای خارجی تنها ۷۵ میلیارد دلار هم بوده باشد، بدهی‌های آن دولت را پوشش می‌دهد، از این رو جا دارد دولت دوازدهم توضیح دهد بدهی‌های دولت که گفته می‌شود از مرز ۸۵۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است، بابت چه اموری تولید شده یا اگر برای گذشته است نسخ حسابرسی‌شده‌اش را منتشر کنند. تأمین منابع بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومانی از محل هدفمندی یارانه‌ها و توزیع نقدی نیمی از این پول تحت قالب یارانه نقدی و عدم‌پرداخت یارانه تولید و همچنین چرایی عدم‌تسویه طلب و اقساط دولت از محل سود ۶۰ شرکتی که بخش یا کل سهام‌شان مشمول سهام عدالت است و گذشت ۱۱ سال از اجرای طرح و نامشخص بودن چرایی به اتمام نرسیدن طرح مسکن مهر و مقوله بدهی‌های ملی از جمله ابهاماتی است که دولت دوازدهم باید به‌طور دقیق به آنها پاسخ دهد.

بورس

رئیس سازمان بورس خبر داد

سپرده‌گذاری صندوق‌های بورسی در بانک‌ها باید به ۵۰ درصد کاهش یابد

رئیس سازمان بورس اوراق بهادار با بیان اینکه سپرده‌گذاری صندوق‌های بورسی در بانک‌ها از ۹۰ درصد به ۷۰ درصد کاهش یافته است، گفت: باید میزان سپرده‌گذاری صندوق‌های بورسی در بانک‌ها به ۵۰ درصد کاهش یابد. گفتنی است ارزش صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورسی به محدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

شاپور محمدی اظهار داشت: در یک دوره‌ای صندوق‌ها ۹۰ درصد منابع جذب‌شده را سپرده‌گذاری می‌کردند، اما الان وضعیت بهبود یافته و حدود ۷۰ درصد منابع سپرده‌گذاری می‌شود که البته باید این عدد به ۵۰ درصد کاهش یابد. رشد قابل ملاحظه منابع صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه در حوزه مالی ایران که عموماً این نهادها در تملک بانک‌ها هستند این نگرانی را ایجاد کرده است که نکند بحران بعدی مالی ایران به دلیل ضعف در نظارت از صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه سر بر آورد.

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان

نوبت اول

آگهی فراخوان
تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد عملیات زیر را در قالب تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای از طریق سامانه ستاد تدارکات الکترونیک دولت به پیمانکاران عضو سامانه واجد شرایط واگذار نماید.

موضوع مناقصه	شماره مناقصه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	زمان بازگشایی پیشنهادات	گواهی صلاحیت مورد نیاز
انجام امور خدمات نظافت، نگهبانی و پذیرایی دفتر استان و مدیریت‌های جهاد کشاورزی شهرستانهای: زاهدان، زابل، هامون، میرجاوه، فنوج، قصر قند، سراوان، خاش، سرباز، ایرانشهر، نیکشهر، چابهار، کنارک، سیب و سوران، مهرستان، دلگان و نیمروز به شرح لیست پیوست	۹۶-٤	۵۶۹/۰۰۰/۰۰۰	ساعت ۹ صبح مورخ ۹۶/۸/۲۲	حداقل رتبه ۷ خدماتی و گواهینامه صلاحیت ایمنی

* زمان، محل دریافت اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادات: متقاضیان می‌بایست عضو سامانه ستاد تدارکات الکترونیکی دولت بوده و از مورخ ۱۳۹۶/۸/۸ لغایت ۹۶/۸/۱۱ با مراجعه به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام و در زمان تعیین شده در اسناد نسبت به درج قیمت پیشنهادی خویش در بستر سامانه فوق اقدام نمایند و ضمن درج تصویر ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار در بستر سامانه ستاد اصل آن را نیز به شرح مندرج در شرایط مناقصه به صورت فیزیکی به آدرس زیر تحویل نمایند.
* مهلت ارائه پیشنهادات در بستر سامانه ستاد تدارکات: ساعت ۸ صبح مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۲ می‌باشد.
* مدت اعتبار پیشنهاد: سه ماه شمسی بعد از آخرین مهلت تحویل پیشنهاد ما می‌باشد.
* محل بازگشایی پیشنهادات و تحویل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار: زاهدان، بلوار شهید مطهری، خیابان جهاد، ساختمان شماره ۲ سازمان جهاد کشاورزی، سالن جلسات می‌باشد و حضور نمایند. پیشنهاد دهندگان در صورت داشتن معرفی نامه بلامانع است.

انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۸/۸- انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۸/۹

اداره امور پیمانها و قراردادهای سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان